گزارش روز

نعمت‌زاده خبر داد

سال ۹۷ پایان عمر «پراید»

● **شرق:** وزیر صنعت، معدن و تجارت در روز بزرگداشت صنعت، درباره مواردی از جمله تفکیک این وزارتخانه، خودروی جنجالی ۲۰۰۸، توقف تولید پراید و... به اظهارنظر پرداخت. محمدرضا نعمت‌زاده با بیان اینکه ادغام وزارت بازرگانی با صنایع و معادن بجا بوده است، اعلام کرد خودروی ۲۰۰۸ هنوز قیمت نهایی ندارد. همچنین در زمینه فروش حواله این خودرو با رقم‌های ۶۵ و ۷۵ میلیون تومان باید گفت که هرکس این اقدام را انجام داده، سرش کلاه رفته است، چراکه با توجه به شرایطی که ایران‌خودرو به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌ها مدنظر قرار داده، نمی‌توان حواله را جابه‌جا کرد و به هیچ عنوان خودرو تحویل داده نمی‌شود، یا به نام کسی که دست دوم خریداری کرده است، نمی‌شود. نعمت‌زاده با بیان اینکه نزدیک به ۲۰ هزار طرح صنعتی و معدنی جدید راه‌اندازی شده است، خاطرنشان کرد: در این ۲۰ هزار طرح حدود ۳۰۰ هزار نفر اشتغال مستقیم ایجاد شده و ۷۰ هزار میلیارد تومان نیز سرمایه‌گذاری صورت گرفته است. علاوه بر این در سال گذشته طرح رونق تولید با حمایت از صنایع کوچک و متوسط مدنظر قرار گرفت و در مجموع نزدیک به ۲۵ هزار واحد صنعتی و کشاورزی از تسهیلات بانکی استفاده کردند. وی با اشاره به اینکه در سال جاری با تصویب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و همکاری وزارت صنعت و بانک مرکزی مجددا طرح رونق تولید کلید خواهد خورد، یادآور شد: تاکنون هزارو ۹۰۰ واحد صنعتی در این طرح نام‌نویسی کرده‌اند و بررسی‌ها از سوی کارگروه‌های استانی آغاز شده است. وزیر صنعت، معدن و تجارت ادامه داد: در سال جاری علاوه بر طرح رونق تولید با نوسازی و بازسازی اصناف تولیدی و خدماتی روبه‌رو خواهیم بود که از تسهیلات لازم بهره‌مند خواهند شد. علاوه بر این نوسازی صنایع کشور اعم از کوچک و متوسط و بزرگ در دستور کار قرار می‌گیرد و دستورالعمل این طرح تهیه شده و به‌زودی به استان‌ها ابلاغ می‌شود.

ادغام وزارت بازرگانی با صنایع و معادن بجا بود

وزیر صنعت، معدن و تجارت در ارتباط با لایحه تفکیک وزارت بازرگانی از وزارت صنایع و معادن، اظهار کرد: به نظر بنده ادغام بجا بوده است و مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در آن زمان عنوان کردند که این ادغام باید به صورت موردی مدنظر قرار گیرد، چراکه اگر یک‌مرتبه این اقدام انجام شود، مشکل‌آفرین خواهد بود. درحال‌حاضر می‌بینیم که چهار وزارتخانه ادغام شده‌اند. در ارتباط با صنعت و معدن زمانی که سیاست‌گذاری صورت می‌گیرد، باید یک نهاد تصمیم‌گیرنده وجود داشته باشد و علاوه بر این تجارت بخشی از صنعت و صنعت نیز بخشی از تجارت است؛ بنابراین اگر از تولید ملی حمایت کنیم ادغام بجا بوده است.

کسانی که حواله خریدند سرشان کلاه رفته

نعمت‌زاده در ادامه نشست در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چرا با وجود اعلام قیمت‌هایی که از خودروی ۲۰۰۸ صورت گرفت و این خودرو از تسهیلات گمرکی نیز برخوردار شد، نهایتا پیش‌فروش آن ۶۰ میلیون تومان شد، درحالی‌که قیمت‌هایی با حدود قیمت نهایی ۷۰ و ۹۰ میلیون تومان روی آن مطرح شده بود، گفت: در حقیقت موضوع خودروی پژو ۲۰۰۸ ارتباط مستقیم با وزارت صنعت، معدن و تجارت ندارد، بلکه طرف حساب مشتریان و بخش متصدی تولید این خودرو یک شرکت بزرگ و باسابقه تولیدکننده است. از طرف دیگر خودروی پژو ۲۰۰۸ اولین تولید سرمایه‌گذاری مشترک پژو و ایران‌خودرو است که امیدواریم بعد از این همکاری‌های بیشتری نیز اتفاق بیفتد.

وی در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر فروش حواله خودروی پژو ۲۰۰۸ در برخی سایت‌ها با رقم ۶۵ و ۷۵ میلیون تومان تصریح کرد: هرکس این اقدام را انجام داده سرش کلاه رفته است، چراکه با توجه به شرایطی که ایران‌خودرو به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌ها مدنظر قرار داده، نمی‌توان حواله را جابه‌جا کرد و به هیچ عنوان خودرو تحویل داده نمی‌شود یا به نام کسی که دست دوم خریداری کرده است، نمی‌شود.

توقف تولید پراید در پایان سال ۹۷

وزیر صنعت، معدن و تجارت در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر زمان توقف خط تولید پراید، اعلام کرد: در زمانی که دولت روی کار آمد، بیش از ۷۰ درصد تولیدات شرکت سایپا مربوط به پراید بود، اما در سال ۱۳۹۵ این رقم به ۳۴ درصد کاهش یافت و در سال جاری نیز به ۲۸ درصد کاهش خواهد یافت و این یعنی تولید انواع دیگر خودرو افزایش یافته و ما باید بدانیم توقف یکباره خودرو موجب به‌هم‌ریختن بازار می‌شود. بنده به‌شخصه فکر می‌کنم اواخر سال ۱۳۹۷ پایان عمر پراید را خواهیم داشت.

تضاد نفت و هورالعظیم به کجا کشید؟

اینجا قلب غرب کارون، موقعیت علی هاشمی

مهدی افشارنیک: لهجه سالم، خیلی غلیظ است. تا عادت کنم، باید برایم هر جمله‌ای را تکرار کند. «میدونی تُهَل چیه؟» به نیزار می‌گویند. در گویش عربِ دشت آزادگان. اینجا هورالعظیم است. موقعیت علیِ هاشمی. انتهای جاده همت، یک حسینیه است و جلوتر چند تا سنگر و یک دکل عمود بر زمین. به سالم می‌گویم جلوتر برو. با سر نفی می‌کند. «نه نه علی هاشمیه» منظورش این است که اینجا احترام دارد و با ماشین نباید جلو رفت.

هنوز صدای بی‌سیم‌ها در هوا موج می‌خورد. می‌رود و می‌آید. یک خط در میان سکوت سنگین هور است و بوی زهم ماهی، صداهای بی‌سیم و انفجار و فریاد از عمق زمان. سمت راست، دکل حفاری میدان یاران را می‌کاود. اینجا کاویده شده و به گوهر رسیدند؛ موقعیت علی هاشمی؛ بعد از ۲۲ سال مفقودی و نبودگی، یک آن آمد و هور را به نام خود کرد؛ علی هاشمی، بچه اهواز. هورشناس و هوربلد. او آمد و گفت باید میدان و موقعیت جنگ را از خاک به آب بکشانیم و بعثی را زمین‌گیر کنیم. آب کجا، زمین‌گیرکردن کجا؟ او هور را نشان داد. خیبر به پا شد. بدر به پا شد. جزایر مجنون از آن ما شد. اینها حاصل قرارگاه مخفی علی هاشمی بود؛ قرارگاه نصرت. همان که بین نیزارها گم شد. سرزمین راز و نی؛ بشنو از نی چون حکایت می‌کند... ، از علی هاشمی آیا حکایت می‌کند؟ از حرف‌ها و بدگمانی‌هایی که وقتی مفقود شد، پشت سرش راه افتاد؟ از غم دل مادرش؟ از غربت برادرش؟ بچه‌های دو، سه ساله‌اش؛ حسین و زینب. هنوز صداها آنجا موج می‌خورند و فرکانس‌های حیران، دنبال علی و فرمانده می‌گردند. علی بین نیزارها گم شد. خودش را گم کرد. چون یوسف در دل چاه، به مصر نقب زد. «تُهَل میدونی چیه؟»

یکبار گفتی که... نیزار

«فقط آن نیست که...»

شانه‌های جاده را آب شسته.... کامیون‌ها خاک و سنگ می‌آورند. آن سوتر اما تورهای ماهی‌گیری در دل آسمان پهن می‌شوند و بعد آب و هور را در آغوش می‌گیرند. ذوق می‌کنم که ماهی‌گیری می‌بینم. گرمای ۴۹ درجه بیرون و خنکای کولر ماشین سستم می‌کند که دم‌به‌دم پیاده شوم و از این ماهی‌گیران حالی بپرسم. تنبلی شهری بودن، آفت کار شده، بی‌عاری هم حدی دارد. یک‌جا سالم می‌زند بغل. علی بچه سوسنگرد است. ماهی بِنّی می‌گیرد. یک‌بار در هویزه خوردم. شیرین و پنبه‌ای. از ماهی تالابی خوشم نمی‌آمد، بنّی آبروداری کرد. دانه‌ای سه تا پنج هزار تومان است و علی می‌گوید صبح یکی گرفت، سر دست توی بازار هفت هزار تا فروخت. برایش نماز خوانده بود. سجده شکر، لب هور. علی از بی‌کاری سوسنگردی‌ها و هویزه‌ای‌ها حرف می‌زند. بی‌کاری شدید. پشت‌سرشان چندین دکل حفاری نفت کار می‌کند. یاران. آزادگان شمالی. جنوبی و این سمت یادآوران. آن سوتر دارخوین. زیر لفظیِ خاک اینجا نفت است. تیشه به لب خاک گیر کند نفت است که بیرون می‌زند. از علی می‌پرسم: «میدانی چقدر الان از اینجا نفت تولید می‌شود؟» تلخ حرف می‌زند. ناامید و مأیوس. می‌خواهد که کار باشد. اشتغال باشد. محلی‌ها اینجا در نفت، یا راننده‌اند یا نگهبان. نیاز شرکت‌ها در این حوزه فقط از محلی‌ها تأمین شده است. اما نه استخدام‌هایی که شده است به چشم می‌آید و نه اینکه دیگر توان بیشتری در میان است. یکی از مدیران نفتی برایم گفت: «پنج هزار محلی در طرح‌های آزادگان استخدام و مشغول به کارند. نماینده شهر باور نکرده بود. کار به اسم و عنوان و آدرس‌دادن کشیده بود. نفت و آزادگان ۱۶ سالی است که بحث روز نفت است. یک روز شل و اینپکس و تولید ۳۰۰ هزار بشکه در روز بود که رفتند. دوره «ما می‌توانیم» شد. خیلی جور درنیامد. بعد از ما می‌توانیم‌ها... چینی‌ها آمدند. در شمالی، در جنوبی. دولت روحانی که آمد در جنوبی چینی‌ها را خلع ید کرد و طرح تولید زودهنگام رقم خورد و ۴۰ هزارتای دوم جنوبی، دو ماهی است که آماده است. آماده بود. توسعه‌دهنده رسانده بود. بهره‌بردار پمپ نداشت و تحویل نمی‌گرفت. به همین سادگی. روزی دو میلیون دلار معطل، ۱۲۰ میلیون دلار عقب افتادن کشور، فقط از یک میدان. حالا در تهران بنشینیم و سؤال کنیم که چرا ما از همسایگان در برداشت عقب هستیم. یا پمپ نیست یا صاحب پمپ نیست. یا اراده‌اش نیست یا حواس مدیران به انتخابات است و توی کاسه دولت می‌گذارند که در آن مقطع موفق نشود و چه بسیارها که همین‌طوری کشور درجا می‌زند. همه یادشان رفته اینجا موقعیت علی هاشمی است، یوسف هور؛ برادرانش او را به چاه افکندند و او از دل چاه به مصرِ گمنامی نقب زد و بعد از ۲۲ سال به کنعان خوشنامیِ بازگشت. دکل‌ها قرار بود که نفت بکاوند که به پیکرهای جمعی شهدا رسیدند که بین آنها پیکر علی هاشمی هم بود؛ اردیبهشت ۸۹.

یکی در میان سکوت است و صدای بی سیم‌ها. علی را صدا می‌کنند. گم شده، بین نی‌ها. اینجا معنی تُهَل را می‌فهمی. حفره‌هایی که بین نیزارها درست می‌شود و از بیرون قابل دیدن نیست. چیزی مثل چاه. کسی مثل یوسف. خوراک مخفی‌شدن. چفتِ کارهای سرّی و مگو. بعد از والفجر مقدماتی و عملیات رمضان که ناکامی بود، روی زمین سفت به عراق خورده بودیم. باید میدان و عرصه را عوض می‌کردند که هور انتخاب شد. جنگ روی زمین، به جنگ بین نی و آب بدل شد. علی هاشمی بلد کار بود؛ با بچه‌های سوسنگرد و هویزه؛ همین هم‌محلی‌های سالم و علی ماهی‌گیر. عراق زمان جنگ دو جزیره مصنوعی می‌زند تا از نفت همین منطقه برداشت کند. به فکرش هم نمی‌رسید که ایران در این منطقه پر از آب و نی عملیات کند. همین نفت غرب کارون. همین دشت میشان. همین هورالعظیم. علی هاشمی طرح عراق را به‌هم ریخت. جزایر مجنون را ایران در دو عملیات از عراق گرفت. تولید نفت از این منطقه متوقف شد. سپاه ششم صدام، عاصی از علی هاشمی. کماندوهای عراقی، پی‌اش برای ترورش. قرارگاه نصرت در طول جنگ، بین تُهَل، یک راز مگو.

علی باز بنّی می‌گیرد. متوسط. دو تا گرفته. گندم به آب می‌ریزد تا ماهی جمع شود و تور بیندازد. پدهای نفتی آزادگان جنوبی کارشان رو به اتمام است. لوله‌های انتقال نفت از چاه‌ها به نمک‌زدایی زیر خاک می‌روند تا آب به همه جای هور بازگردد. استانداری دنبال سرعت بازگشت آب است و نفتی‌ها تحت فشار. از استاندار هم پرسیدم که چرا این‌قدر فشار روی نفت؟ گفت: «تا آخر اردیبهشت را خود نفتی‌ها تعیین کرده بودند»، اما هنوز برخی پدها کارشان تمام نشده است و تمیزکاری می‌خواهند، اما آب آمده و تضاد نفت و هور که از بی‌تدبیری حاصل شده بود، در حال رخت‌بربستن است. بنّی روی زمین می‌افتاد. حیوان در گرمای ۵۰ درجه راحت جان می‌دهد. دو تکان و تمام. خورجین موتور علی پرشده است و لبخندی بر لب زده، ولی می‌گوید: «تو که با نفتی‌ها هستی بگو این‌طور نمی‌شه که... نفت ما را بکشن ببرند، ما خودمون هیچ».

چینی‌ها از جنوب آزادگان رفته‌اند، اما همه‌جا نشانه‌هایشان هست؛ به‌ویژه سرچاه‌ها. شیرهای سر چاهی همه چینی. بچه‌های نفت ناراضی. پسِ ذهن نفتی‌ها وسایل و تجهیزات روز و حرفه‌ای دنیا نشسته است. به کمتر از بهترین‌های دنیا راضی نمی‌شوند. حتی اگر سال‌ها تحریم بودیم، حتی اگر... و حتی اگر... هنوز اصول خود را پایین نگذاشتند. کسی به شوخی می‌گوید: «این شیرها حاصل همان کاغذ پاره دانستن تحریم‌هاست». بی‌پولی در نفت بیداد می‌کند. از بیرون باورش سخت است. شرکت نفت و بی پولی؟ شرکت نفت و نداری؟ عابربانک مملکت به خشکی و خنسی خورده باشد؟ خورده. با ۷۰ میلیارد دلار بدهی. پروژه‌ها کف‌گیر به کف شدند. دیگر برای تهیه لباس ایمنی و چکمه و عینک کار، کار به سبحان‌الله کشیده... . یکی از مهندسین می‌گوید: «تو را خدا بنویس نفتی‌ها توی چه شرایطی کار می‌کنند» با ابرو به آسمان و گرمای هوا اشاره می‌کند با دست به لباسش. امیدِ علی ماهی‌گیر و سالم به شرکت نفت است. شرکت نفت خودش زار و ندار. تلخ‌ماجرایی شده. بین این‌همه تلخی، اما ۴۰ هزار بشکه دوم، تولید زودهنگام رسید. مجموع بالای ۸۰ هزار تا روزانه. دو ماه بود رسیده بود که دو هفته پیش پمپ‌های بهره‌بردار هم رسید و نفت به نمک‌زدایی و خط لوله به خارک سپرده شد. تولید غرب کارون به ۳۱۰ هزار بشکه رسیده است. اما کو تا یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار بشکه؟ وعده‌ها، حرف‌ها، همیشگی شده، اما در عمل برای رساندن ۴۰ هزار بشکه از چاه به خارک، دو ماه معطلی باید بکشیم. تازه وقتی همه‌چیز در تولید آماده شده است. زنگنه که اردیبهشت به سوسنگرد آمد، برای مردم از عزم نفت برای تولید یک‌میلیونی گفت. آن روز شاهد بودم دختری ۱۴ساله خود را به وزیر رساند و خشم در کلام انداخته و گفت: «آقا من چطور درس بخونم برم دانشگاه وقتی بابام بی‌کاره. داداشم بی‌کاره». زنگنه گفته بود: «برای ماندن آمدیم. برای زندگی و همیشه. یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار بشکه زندگی و زیست را متحول می‌کند». استاندار هم به «شرق» می‌گوید که «تولید یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار بشکه‌ای استان را متحول می‌کند و ما منتظر ورود شرکت‌های بزرگ نفتی هستیم. توتال. پتروناس و دیگران...». ایده‌های بزرگ بر فراز غرب کارون سیر می‌کنند. اما یک جای کار می‌لنگد. صاحب هور گویی راضی نیست. دل به حرف‌ها که می‌دهی تمدنی نفتی را تصور می‌کنی که هویزه و بستان و سوسنگرد، رونق و روغن سفره خوزستان می‌شوند، اما این حرف‌ها این روزها در چشمان علی ماهی‌گیر و سالم شوق نمی‌اندازد. علی بنّی‌اش را می‌گیرد و سالم به فرمان ماشینش می‌چسبد و روزی این‌گونه از دل روزگار بیرون می‌کشند.

روزهای آخر جنگ بود و تلخ. عراق دوباره حمله می‌کرد. فاو را پس گرفت. مجنون را پس گرفت. دنبال علی هاشمی بود. بین نیزارها. پی قرارگاه مخفی. با هلی‌کوپتر گشت می‌زدند و نهایت مقر علی را یافتند. درگیری شد. کار بالا گرفت و دستور عقب‌نشینی به علی داده شد. پاهایش از اقامت طولانی در هور قارچ‌زده بود. گوشت پاهایش می‌ریخت. استخوان قوزک پا بیرون زده بود. علی روی نی‌ها می‌دوید. نی‌ها سرتیز و نیزه‌ای. زخم روی زخم. پشتش تیر و ترکش. پی‌اش بودند. زنده می‌خواستند علی را. زمین خورد، اما پا شد. تیر و ترکش پشت و کنارش. بین نی‌ها گم شد. کسی آخرین رزم علی را ندید. گفتند اسیر شده، برخی‌ها هم بدگمانی کردند دل اهل خانه را شکستند... بماند.

اینجا موقعیت علی هاشمی است. سمت راست، دکل در میدان یاران کار می‌کند. پشتت آزادگان جنوبی. بالای سرش شمالی. آن سوتر یادآوران. کمی دورتر دارخوین. اینجا اسم این روزهایش غرب کارون شده، ادبیات نفتی غالب شده. اما هنوز ته جاده موقعیت، موقعیت علی هاشمی است؛ صاحب هور. صدای بی‌سیم‌ها قطع نمی‌شود. دنبال علی می‌گردند. دلخور است. از بدگمانی رفقا دلخور است. پشت به نفت و خاک نشسته. پا در هور انداخته و بنّی‌ها دور پاهای زخمی‌اش طواف می‌کنند. علی آقا برگرد. برکت نفت تویی. عزت این خاک تویی. دشت میشان، هورالعظیم، هور الهویزه، دشت آزادگان، غرب کارون هر چه که اسم روی اینجا گذاشتند به تو بدهکار است. اینجا موقعیت علی هاشمی است. بی‌سیم‌ها هنوز دنبال علی می‌گردند... .

گذر

مدیرعامل محک در روز صنعت و معدن:

توسعه بدون همکاری ۳ بازوی اصلی جامعه مقدور نیست

● آراسب احمدیان، مدیرعامل مؤسسه خیریه محک، ضمن تبریک روز صنعت و معدن به اعضای اتاق‌های بازرگانی، صاحبان صنایع و بنگاه‌های اقتصادی و تمامی فعالان این حوزه که به‌عنوان بازیگران یکی از سه بازوی اصلی جامعه؛ یعنی دولت، بنگاه‌های اقتصادی و سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت می‌کنند، گفت: «توسعه و رشد پایدار جامعه بدون همکاری سه بازوی اصلی جامعه مقدور نیست. محک قدردان همه فعالان حوزه صنعت و معدن است که با همراهی خود در بیش از ربع قرن فعالیت این مؤسسه، نقش اساسی در رشد و توسعه محک و حمایت از کودکان مبتلا به سرطان داشته‌اند». وی سپس به نقش بنگاه‌های اقتصادی در فعالیت مؤسسه خیریه محک اشاره کرد و گفت: «مؤسسه محک در مقدمه اولین برنامه استراتژیک خود که در سال ۱۳۸۵ تدوین شده است، بر اهمیت پرداختن سازمان‌های مردم‌نهاد و بنگاه‌های اقتصادی تاکید و تصریح کرده و در این حوزه ایفای یک نقش محوری را هدف قرار داده است».وی افزود: «اولین گام تحقق این هدف برگزاری اولین نمایشگاه پوستر با عنوان «پیوند مهر» در سال ۱۳۸۹ بوده است و پس از آن برای ترویج این مفهوم مقرر شد هر دو سال یک‌بار مقارن با روز جهانی سرطان کودکان (۱۵فوریه) کنفرانس بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سرطان کودکان برگزار شود. از آن روز تاکنون پنج دوره از این کنفرانس با همراهی اتاق‌های بازرگانی، بنگاه‌های اقتصادی و صاحبان صنایع برگزار شده است». وی با بیان اینکه محک در این دوره ۱۰ ساله تلاش کرده است تا به ترویج مفهوم مسئولیت اجتماعی بپردازد، افزود: «برگزاری کنفرانس‌های ملی مسئولیت اجتماعی از سوی شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و همچنین تعریف استاندارد، نشان و تندیس مسئولیت اجتماعی از سوی این بخش‌ها حاکی از ترویج موفق این مفهوم در میان دولت و بنگاه‌های اقتصادی بوده است». مدیرعامل مؤسسه خیریه محک گفت: «بالغ بر ۱۰ سال تمرکز بر موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، بدون همراهی اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران که در تمامی این سال‌ها حمایت مالی این برنامه را برعهده داشته‌اند و همچنین بدون همراهی شخصیت‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های ملی و بین‌المللی مقدور نبوده است».

خبر

به‌دنبال ۳ برابر شدن تعرفه خدمات فرودگاهی

پرواز به نجف لغو شد

مهر: نایب‌رئیس انجمن شرکت‌های هواپیمایی گفت: تا زمانی که عراقی‌ها به درخواست ایرلاین‌های ایرانی عمل نکنند، تمامی پروازها به فرودگاه نجف لغو خواهند شد.اصغر عبدالله‌پور درباره لغو پرواز ایرلاین‌های ایرانی به فرودگاه نجف گفت: از امروز صبح شرکت‌های هواپیمایی ایرانی طبق تصمیمی که از پیش گرفته شده بود، تمامی پروازهای خود به فرودگاه نجف را به دلیل بالابردن هزینه خدمات فرودگاهی از سوی این فرودگاه، لغو کرده و صرفا به فرودگاه بغداد پرواز دارند. این تصمیم تا زمانی که طرف عراقی خواسته ایرلاین‌های ایرانی را عملی نکند، ادامه خواهد داشت.نایب‌رئیس انجمن شرکت‌های هواپیمایی ادامه داد: مدیران فرودگاه نجف چون می‌دانند هم مسافران و هم شرکت‌های هواپیمایی ایرانی به خدمات آنها نیاز دارند، سرخود و بدون توجه به درخواست ایرلاین‌های کشورمان، هزینه خدمات فرودگاهی را که از شرکت‌های هواپیمایی اخذ می‌کنند، بالا برده‌اند. این در حالی است که هزینه‌ای که ایرلاین‌های آنها بابت خدمات فرودگاهی به فرودگاه‌های ایران پرداخت می‌کنند، یک‌سوم هزینه‌ای است که ما به آنها می‌دهیم. به گفته عبدالله‌پور، افزایش هزینه‌های خدمات فرودگاهی در نجف سبب تحمیل هزینه‌های گزاف به مسافران ایرانی شده که در نتیجه کاهش تقاضای سفر به این شهر را در پی داشته است؛ بنابراین برای شرکت‌های هواپیمایی ایرانی هم به‌صرفه نیست که با صندلی‌های خالی به نجف پرواز داشته باشند.

وی هزینه خدمات فرودگاهی نجف را شامل عوارض گمرکی معادل ۸۵ دلار به ازای هر پرواز و ۱۵ دلار به ازای هر صندلی عنوان کرد؛ ضمن اینکه مبالغ دریافتی بابت هندلینگ و اپروچ هواپیماها نیز جداگانه دریافت می‌شود.